

زمان تحریر و پهنای زمانی تاریخ بیهقی

مهدی سیدی

(مصحح و شارح بیهقی)

خلاصه:

گرچه از دیرباز ابهاماتی درباره پهنای یا گستره زمانی تاریخ بیهقی، نیز زمان تحریر آن مطرح بوده، اما با اندکی دقت در همین شش مجلد باقی مانده دقیقاً معلوم می‌شود که بیهقی از سال ۴۴۸ قمری شروع به تحریر تاریخ خودش کرده است، آغاز یا ابتدای زمانی تاریخ وی هم سال ۴۰۹ بوده، چهار مجلد اول کتاب را که مربوط به حوادث دوازده سال پایانی سلطنت «یمین‌الدوله محمود» (فوت ۴۲۱) بوده و بیهقی از آن با عنوان‌های «تاریخ محمودی» و «یمینی» نام برده، تا سال ۴۵۰ نوشته است. ظاهراً از آن پس مدتی قلم را بداشته و سفری به بُست کرده؛ آنگاه به غزنه بازگشته و از ماههای پایانی سال ۴۵۰ شروع به تحریر بخش «مسعودی» یا «ناصری» این اثر کرده و پس از یکسال و چندماه، در اواخر سال ۴۵۱ این بخش را هم، که شامل شش مجلد موجود (پنجم الی دهم) و ۱۱ سال (۴۲۱ تا ۴۳۲) است به اتمام رسانده؛ اما دست‌کم تا سال ۴۵۵ مشغول به ادامه کار بوده و تجدید نظری هم در کارهای پیشین می‌کرده است. از چند تاریخی که او به عنوان زمان تحریر بخش موجود یاد کرده تقریباً مشخص می‌شود که وی به طور میانگین روزی حدود ۲ تا ۳ صفحه (براساس تاریخ بیهقی ۷۴۸ صفحه‌ای چاپ سال ۱۳۸۸) می‌نوشته است. آنچه در پی آمده شرح مستند این خلاصه است.

در تاریخ بیهقی چند خبر منحصر بفرد وجود دارد که یکی از آنها بدین صورت است: «و هم از استاد عبدالرحمن قوال شنودم، پس از آنکه این تاریخ آغاز کرده

بودم به هفت سال، روز یکشنبه یازدهم رجب سنه خمس و خمسين و اربعمائه^۱. در نتیجه آغاز کار بیهقی در تحریر کتابش سال ۴۴۸ بوده است (= ۴۵۵-۷ سال). دیگر آنکه وی اولین باری که از زمان تحریر بخش موجود یاد کرده در صفحه ۵۴ (از کتاب ۷۴۸ صفحه‌ای تصحیح ما، نیز ص ۱۰۴ دیبای دیداری) بدین شرح است: «و از پس برافتادن سپاه سالار غازی، سعید (کدخدایش) در آسیای روزگار بگشت و خاست و افتاد، و بر شغل بود و نبود، تا ... اکنون در سنه خمسین (۵۰ = ۴۵۰) به مولتان است در خدمت خواجه عمید عبدالرزاق، که چند سال است که ندیمی او می‌کند، بیغولہ‌یی و دُم قناعتی گرفته».

بالآخره در آغاز داستان حسنگ به شرح نوشته است: «فصلی خواهم نبشت در ابتدای این حال بردار کردن این مرد و پس به شرح قصه شد. امروز که من این آغاز قصه می‌کنم در ذی حجه سنه خمسین و اربعمائه، در فرخ روزگار سلطان معظم ابوشجاع فرخ‌زادین ناصر دین‌الله ... از این قوم که من سخن خواهم راند یک دو تن زنده‌اند در گوشه‌ای افتاده ... و ما را با آن کار نیست ... چه عمر من به شست و پنج آمده» (ص ۱۶۸؛ و دیبای دیداری، ص ۲۱۸). او دقیقاً ذکر نکرده که زمان خاص تحریر این سطور چه روزی از ماه ذی‌حجه سال ۴۵۰ بوده است؛ اما دست‌کم حدود صد صفحه بعدی کتابش را در همان باقی مانده ماه ذی‌حجه سال ۴۵۰، الی اوایل سال ۴۵۱ نوشته، چون در صفحه ۲۷۲ (و ص ۳۲۱ دیبای دیداری) از زمان تحریر آن صفحه چنین یاد کرده است: «بوبر [نوکی] هم فاضل و ادیب و نیکوخط بود و مدتی در دیوان ما (رسالت) بماند و طبعش میل به گُر بُزی داشت تا بلایی بدو رسید... و از دیوان رسالت بیفتاد، و به حق قدیم خدمت پدرش را، بروی رحمت کردند پادشاهان، و شغل اشرف ناحیت گیری بدو دادند و مدتی سخت دراز است تا آنجاست. و امروز هم آنجا می‌باشد، سنه احدى و خمسین» (۵۱ = ۴۵۱). بیهقی از این

۱. بیهقی، ابوالفضل، تاریخ بیهقی، متن کامل دو جلدی، تصحیح و شرح دکتر محمدجعفر یاحقی و مهدی سیدی، ۱۳۸۸، تهران، سخن، ص ۶۵ (بقیه ارجاعات این مقاله به تاریخ بیهقی هم به همین نسخه و چاپ است)؛ نیز متن یک جلدی آن، با نام دیبای دیداری، تهران، سخن، ۱۳۹۰، ص ۱۱۵.

پس تا اواخر کتاب تنها از سال ۴۵۱ به عنوان زمان تحریر یاد کرده، که آخرین مورد آن مربوط به صفحه ۶۶۴ می‌باشد. در نتیجه با اطمینان می‌توان گفت که وی ۴۹۲ صفحه (۲۷۲ - ۷۶۴) از کتاب ۷۴۸ صفحه‌ای‌اش را در سال ۴۵۱ نوشته است. او پس از صفحه ۲۷۲، در شرح حال بوالنضر حاجب نوشته: «و امروز یعنی سنه احدى و خمسين و اربعمائه بحمدالله به جای است» (ص ۲۸۴؛ و دیبای دیداری، ص ۳۳۵). در صفحه بعد (۴۸۵) هم به مناسبت شرح درگذشت خلیفه القادر و جانشینی القائم، نوشته است: «و روز سه‌شنبه ده روز باقی مانده از این ماه خبر رسید که امیرالمؤمنین القادر بالله ... گذشته شد ... و امیرالمؤمنین ... القائم بامرالله ... را، که امروز سنه احدى و خمسين و اربعمائه به جای است ... و ولی‌عهد بود بر تخت خلافت نشانند و بیعت کردند» (دیبای دیداری، ص ۳۳۷). بالأخره دقیق‌ترین زمان تحریر را به مناسبت درگذشت فرخ‌زاد و جلوس برادرش سلطان ابراهیم، در ماه صفر سال ۴۵۱ ذکر کرده، چون در صفحه ۳۶۱ نوشته است: «این مجلد اینجا رسانیدم از تاریخ، پادشاه فرخ‌زاد جان شیرین و گرامی به ستاننده جانها داد و سپرد». بدین سبب «فصلی در معنی دنیا» گشوده و در آن مطالبی از بی‌وفایی دنیا نوشته (ص ۳۶۱ تا ۳۶۴) بعد افزوده که «چون وی گذشته شد خدای عزوجل یادگار خسروان ... ابوالمظفر ابراهیم بن ناصر دین‌الله را ... به دارالملک رسانید و تخت اسلاف را به نشستن بر آنجا بیاراست ... و روز دوشنبه نوزدهم صفر سنه احدى و خمسين و اربعمائه که من تاریخ اینجا رسانیده بودم، ... مملکت این اقلیم را بیاراست ... بزرگی این پادشاه یکی آن بود که از ظلمت قلعتی آفتانی بدین روشنی که به نوزده درجه رسید، جهان را روشن گردانید^۲» (ص ۳۶۴؛ دیبای دیداری، ص ۴۱۳).

۲. لازم به یادآوری است که سال ۴۵۱ قمری از ۱۷ فوریه (یا ۲۸ بهمن خورشیدی) آغاز می‌شده است (← تقویم تطبیقی، ذیل سال ۴۵۱) در نتیجه ۱۹ ماه صفر آن سال با برج حمل (فروردین ماه) برابر بوده، از سویی به اعتقاد قدما «شرف شمس» یا آفتاب (بهترین موقعیت خورشید در نیمکره شمالی) در ۱۹ درجه (زاویه تابش خورشید به زمین) روی می‌داده، چنانکه گفته‌اند:

بنابر این بیهقی از ۱۹ ماه صفر و «شرف شمس» و انطباق تقریبی زمان جلوس سلطان ابراهیم بر تخت سلطنت با برج حمل و موقعیت قرار گرفتن خورشید در ۱۹ درجه، تعبیر زیبای: «بزرگی این پادشاه یکی آن بود که از ظلمت قلعتی، آفتابی بدین روشنی که به نوزده درجه رسید» را به کار برده است. چون سلطان ابراهیم در سن ۲۷ سالگی از حبس در قلعه «نای» (واقع در غرب غزنین) به درآمده و به سلطنت برداشته شده (← جوزجانی، ۱۳۶۳، طبقات ناصری، ج ۱، ص ۲۳۹؛ نیز تاریخ بیهقی، ج ۲، تعلیقات، ص ۱۱۰۶). ۱۹ درجه چنانکه بعضی گمان کرده‌اند (خطیب رهبر، تاریخ بیهقی، ج ۲، ص ۶۰۴) به سن ابراهیم مربوط نیست. غرض از این همه آنکه، بیهقی زمان جلوس ابراهیم را به درستی ۱۹ ماه صفر سال ۴۵۱ گزارش کرده است؛ در نتیجه وی صفحات ۱۶۸ تا ۳۶۴ (زمان نقل داستان حسنگ تا جلوس سلطان ابراهیم) را، که ۱۹۶ صفحه می‌شود، در فاصله ماه ذی‌حجه سال ۴۵۰ تا ۱۹ ماه صفر سال ۴۵۱ نوشته، که تقریباً کارنامه روزانه وی را هم نشان می‌دهد (یعنی هر روز حدود ۲/۵ تا ۳ صفحه). با این «کارنامه»، بیهقی باید تحریر این بخش از کتابش را (مجلدات پنجم الی دهم) از ماههای پایانی سال ۴۵۰ (مثلاً ماه رمضان یا شوال) شروع کرده باشد؛ چرا که وقتی او ۱۹۶ صفحه را طی ۸۰ یا ۵۰ روز (از اول ذی‌حجه ۴۵۰ یا آخر آن ماه، تا ۱۹ صفر ۴۵۱) نوشته باشد، بعید است که ۱۶۸ صفحه اولیه را (از ابتدای بخش موجود تا گزارش داستان حسنگ) در بیش از ۳ - ۲ ماه نوشته باشد.

خبری هم در تاریخ بیهقی هست که نشان می‌دهد بیهقی در نیمه اول سال ۴۵۰ در شهر بُست (به فاصله حدوداً پانزده روز از غزنه) بوده است، در نتیجه وی نمی‌توانسته زودتر از نیمه دوم سال ۴۵۰ در غزنه و مشغول تحریر کتابش بوده باشد. چون بیهقی پس از ذکر ۱۹ ماه صفر سال ۴۵۱ (در صفحه ۳۶۴)، تا اواخر کتاب چندین بار از سال ۴۵۱ به عنوان زمان تحریر یاد کرده (← صفحات: ۴۶۳،

۴۹۲، ۵۶۸، ۶۰۶، ۶۲۰، ۶۶۴)، بعید است که تحریر بخش موجود (تا صفحه ۷۴۸؛ و دیبای دیداری، ص ۷۴۲) به سال ۴۵۲ کشیده شده باشد. بنابراین با اطمینان می‌توان گفت که بیهقی این ۶ مجلد مربوط به ۱۲ - ۱۱ سال سلطنت مسعود (۴۲۱ تا ۴۳۲) را به مدت تقریباً ۱/۵ سال (از نیمه دوم سال ۴۵۰ تا اواخر سال ۴۵۱) نوشته است. با توجه به آنچه گذشت، چهار مجلد اولیه کتاب او (۱ تا اوایل ۵) هم که شامل شرح وقایع سلطنت محمود از سال ۴۰۹ تا ۴۲۱ بوده، نمی‌توانسته در بیشتر از دو سال تحریر شده باشد. اینکه بیهقی تصریح کرده که تحریر کتابش را از سال ۴۴۸ آغاز کرده (ص ۶۵)، در سال ۴۵۰ هم سفری به بَست داشته (ص ۱۹۴) مؤید فرض مزبور است.

سال ۴۰۹ به عنوان آغاز پهنای زمانی تاریخ بیهقی به تصریح از خود کتاب مزبور برمی‌آید، آنجا که بیهقی نوشته است: «و این حالا استاد محمود وراق سخت نیکو شرح داده است در تاریخی که کرده است در سنهٔ خمسین و اربعمائه، چندین هزار سال را تا سنهٔ تسع و اربعمائه (۴۰۹) بیاورده و قلم را بداشته، به حکم آنکه من ازین تسع آغاز کردم» (ص ۲۶۰؛ و دیبای دیداری، ص ۳۱۰). اینکه پایان مجلد چهارم با گزارش مرگ سلطان محمود (در سال ۴۲۱) همزمان بوده، از آغاز مجلد موجود پنجم برمی‌آید، که در آنجا به حوادث بعد از مرگ محمود پرداخته است.

در نتیجه با اطمینان خاطر می‌توان گفت که ابوالفضل بیهقی (متولد سال ۳۸۵) پس از آنکه در حدود سال ۴۱۲ (۲۷ سالگی) به خدمت دیوان رسالت سلطان محمود غزنوی، با ریاست بونصر مشکان، درآمده (به طوری که تا سال درگذشت بونصر مشکان ۴۳۱ به مدت ۱۹ سال با وی همکاری داشته است) (ص ۶۱۴؛ دیبای دیداری، ص ۶۴۰)، شروع به جمع‌آوری اطلاعات تاریخی مربوط به سال ۴۰۹ (سال پایان زمانی تاریخ یمینی، نوشتهٔ عتبی) و بعد از آن کرده؛ و پس از معزولی از کار رسمی دیوانی (در زمان سلطنت فرخ زادبن مسعود)، از سال ۴۴۸ شروع به نوشتن تاریخ خود کرده، و چهار مجلد اولیهٔ مربوط به سالهای ۴۰۹ تا ۴۲۱ (سلطنت محمود) را تا اواخر سال ۴۴۹ یا اوایل سال ۴۵۰ به پایان برده است؛ آنگاه ظاهراً برای کسب اطلاعات از وقایع ابتدای سلطنت امیرمحمد تا فروگیری او توسط دولتمردان غزنوی (در سوم ماه شوال سال ۴۲۱) در تگین‌آباد (نزدیک قندهار کنونی، و شهر

بُست - شهر لشکرگاه کنونی در استان هلمند کشور افغانستان)، سفری به آن دیار داشته است، چون خود وی نوشته که «از عبدالملک مستوفی به بُست شنیدم هم در سنهٔ خمسین و اربعمائه ...» (ص ۱۹۴؛ دیبای دیداری، ص ۲۴۵). بعد از آن به غزنه بازگشته و از نیمهٔ دوم سال ۴۵۰ شروع به نوشتن قسمت موجود (تاریخ مسعودی) کرده و مجلدات پنجم الی دهم را تا اواخر سال ۴۵۱ نوشته است. بنابراین پهنای زمانی و زمان تحریر ده مجلد اولیهٔ تاریخ بیهقی (شامل دو بخش یمنی و مسعودی) مشخص است.

اما این که مجلدات بعدی تاریخ بیهقی چه سنواتی را دربر می‌گرفته و در چه سالهایی تحریر شده؟ دقیقاً معلوم نیست؛ الا آنکه باید تحریر آن بخش از سال ۴۵۲ و با شرح حوادث بعد از مرگ سلطان مسعود (۴۳۲) و دورهٔ ۹ ساله سلطنت مودودبن مسعود (۴۳۲ تا ۴۴۱) شروع شده باشد؛ و دست‌کم تا نیمهٔ سال ۴۵۵ وی بدین کار اشتغال داشته (ص ۶۵؛ دیبای دیداری، ص ۱۱۵)، در نتیجه حدود چهار و نیم سال پس از اتمام بخش موجود مشغول تحریر بوده، که باید دست‌کم ده مجلد دیگر هم نوشته باشد.

چون بعضی از مورخان بعدی، خصوصاً هم‌ولایتی ابوالفضل بیهقی، یعنی ابوالحسن علی بن زید بیهقی (ابن فندق، مؤلف تاریخ بیهقی) به نقل از خود ابوالفضل بیهقی به پریشان حالیها و عزل و حبس او در زمان سلطان عبدالرشید (۴۴۱ تا ۴۴۴) اشاراتی کرده‌اند (← تاریخ بیهقی، ص ۸ - ۱۷۷)؛ وی دست‌کم تاریخ را تا زمان عبدالرشید و حبس خود نوشته است.

در پاسخ به این سؤال که بیهقی پس از سال ۴۵۵ (که در بخش موجود بازنگری داشته، ص ۶۵) تا ماه صفر سال ۴۷۰ که درگذشته (تاریخ بیهقی، ص ۱۷۸) تاریخ خودش را تا کجا رسانده، معلوم نیست. او در سال ۴۵۰ که صفحهٔ ۱۹۰ بخش موجود کتاب خویش را می‌نوشته امیدوار بوده که دست‌کم پنجاه سال از تاریخ غزنویان را بنویسد (یعنی تا سال ۴۶۰ و زمان سلطان ابراهیم)، چون به مناسبت شرح حال مفصل تبانیان نوشته است: «و اگر از خوانندگان این کتاب کسی گوید این چه درازی است که ابوالفضل در سخن می‌دهد؟ جواب آن است که من تاریخی می‌کنم پنجاه سال را، که بر چندین هزار ورق (حتماً در قطع کوچک) می‌افتد و در او نام

بسیار مهتران و بزرگان است از هر طبقه، اگر حقی به باب همشهریان خود هم بگزارم و خاندانی بزرگ را پیداتر کنم، باید که از من فراستانند» (ص ۱۹۰؛ دیبای دیداری، ص ۲۴۱). این آرزو را هنگام جلوس سلطان ابراهیم در ماه صفر سال ۴۵۱ نیز چنین بر قلم آورده است: «و من که بوالفضلم اگر درین دنیای فریبندۀ مردم خوار چندانی بمانم که کارنامه این خاندان بزرگ برانم و روزگار همایون این پادشاه (ابراهیم)، که سالهای زیاد بزیاد، چون آنجا رسم بهره آن نبشتن بردارم و این دیبای خسروانی که پیش گرفته‌ام به نامش زربفت گردانم» (ص ۳۷۷؛ دیبای دیداری، ص ۴۲۸).

به رغم این آرزوهای بیهقی ظاهراً وی فرصت نیافته که شرح حوادث را تا زمان سلطان ابراهیم (۴۵۱ تا ۴۹۲) برساند؛ حتی بنظر می‌رسد که او توفیق راندن تاریخ سلطنت سلطان فرخ‌زاد را هم نیافته، چون مورخان بعدی هیچ خبری از زمان این دو سلطان غزنوی را از قول بیهقی نقل نکرده‌اند. اگر هم بیهقی چیزی از دوره فرخ‌زاد و ابراهیم را نوشته به سبب آنکه معزول و در کناره میدان حوادث و بی‌دسترسی به اطلاعات محرمانه و مرموز دیوان رسالت بوده، سخنش نباید آن حلاوت دوره‌های محمودی و مسعودی و مودودی را می‌داشته است؛ شاید به همین سبب بوده که مورخ جستجوگر و پر دانشی چون ابوالحسن بیهقی هم همه مجلدات تاریخ بیهقی را نیافته و نخوانده است، چون خود تصریح کرده که و آن (تاریخ بیهقی) «همانا سی مجلد منصف زیادت باشد، از آن مجلدی چند در کتابخانه سرخس دیدم، و مجلدی چند در کتابخانه مهد عراق رحمهما الله، و مجلدی چند در دست هر کسی، و تمام ندیدم» (تاریخ بیهقی، ص ۱۷۵).

آنچه مسلم است پربارترین بُرهه اشتغال ابوالفضل بیهقی در دیوان رسالت غزنویان همان دوره ۱۱ ساله سلطان مسعود بوده، که بیهقی سنین پختگی و میان سالی خود را می‌گذرانده و هم در مقام معاون دیوان رسالت تحت حمایت و مورد اعتماد استادش بونصر مشکان در آن دیوان مهم، و بدان سبب در میانه همه اطلاعات جزئی و محرمانه بوده است.

یکی دیگر از ارزشهای تاریخ دوره مسعودی این است که بیهقی به مشروح‌ترین صورتی چگونگی ظهور و استیلای سلجوقیان در خراسان و ایران و قلمرو غزنویان را نوشته، که منحصر بفرد است. احتمالاً به همین دلایل کاتبان بعدی

در فرصتی ظاهراً کم و مغتنم که برای بازنویسی تاریخ بیهقی به دست آورده‌اند، زیباترین و پربارترین بخش آن را (که همین شش مجلد دوره مسعودی است) از گزند حوادث بدر برده‌اند، که خدایشان رحمت کناد!

منابع:

- بیهقی، ابوالحسن علی بن زید (ابن فندق)، تاریخ بیهقی، تصحیح احمد بهمنیار، تهران، فروغی، ۱۳۱۷
- بیهقی، ابوالفضل، تاریخ بیهقی، تصحیح و شرح دکتر محمدجعفر یاحقی و مهدی سیدی، تهران، سخن، ۱۳۸۸
- بیهقی، ابوالفضل، تاریخ بیهقی، تصحیح علی اکبر فیاض، با شرح دکتر خطیب رهبر، تهران، سعدی، ۱۳۶۸
- بیهقی، ابوالفضل، دیبای دیداری، تصحیح و شرح دکتر محمدجعفر یاحقی و مهدی سیدی، تهران، سخن، ۱۳۹۰
- جوزجانی، منهاج السراج، طبقات ناصری، تصحیح عبدالحی حبیبی، تهران، دنیای کتاب، ۱۳۶۳
- مصفی، ابوالفضل، فرهنگ اصطلاحات نجومی، تبریز، موسسه تاریخ و فرهنگ ایران، ۱۳۵۷
- وستفلد، فردیناند، تقویم تطبیقی...، به اهتمام دکتر حکیم‌الدین قریشی، تهران، فرهنگسرای نیاوران، ۱۳۶۰